

هادی گیاهپور^۱

چکیده

حقوق مالکیت معنوی (فکری)، در جهان امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است و به دلیل برخورداری از ارزش اقتصادی، مورد توجه دولتها قرار گرفته است. به طوری که در برخی کشورها نظیر چین، رشته تخصصی با همین نام، تا مقطع دکتری وجود دارد. در فقه اسلامی این موضوع سابقه طولانی ندارد و از آن با عنوان مسائل مستحدثه یاد می کنند و تحت همین عنوان نسبت به اثبات و یا رد این موضوع نظریه پردازی می کنند. مخالفان این حقوق با استناد به قاعده تسلیط، عدم امضای شارع، نهی از کتمان علم، وجوب ارشاد جاهل و احتساب اموال معنوی در زمره اموال حکومتی به طرح دیدگاههای خویش پرداخته اند.

موافقان مالکیت معنوی نیز با استناد به قاعده لاضرر، صحت، سبق، نظریه منطقه الفراغ، ولایت فقیه، عموم اوفوابعقود و سیره عقلا اقدام به طرح دیدگاههای خویش نموده اند. در این مقاله دیدگاههای فقهای اسلامی، در رد یا اثبات این موضوع مورد بررسی قرار گرفته و نیز با توجه به اجماع عقلا در اثبات مشروعیت مالکیت معنوی، به مشروعیت آن رسیده ایم. همچنین مطالبی در مورد چگونگی عرضه اوراق ایده و فکر بیان شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

کلیدواژه: مالکیت فکری، مبانی فقهی، مسائل مستحدثه، حقوق معنوی، اوراق ایده و فکر.

^۱ معاون مالی و توسعه منابع انسانی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مفتاح شهرری.

۱. مقدمه

با گسترش روزافزون علم و تکنولوژی و به دنبال آن ، پیدایش اختراعات و اکتشافات ، جنبه مادی علوم و فنون ، چهره جدیدی از خود نشان داد و مالیت پیدا کردن ایده و فکر به عنوان یک پدیده جدید ، در محافل حقوقی و بین المللی رخ نمود . از این رو و برای تعیین محدوده حقوقی ، برای ایده و فکر ، که منجر به خلق طرح های صنعتی ، تجاری ، فرهنگی ، هنری و ... می شوند ، عنوان مالکیت معنوی یا فکری انتخاب شد تا صاحبان ایده و فکر از حقوقی مشابه حقوق مالکین برخوردار شوند . البته آغاز پیدایش آن چندان روشن نیست ولی روشن است که اولین کشورهایی که اندیشه مالکیت معنوی در آنها رونق گرفت ، انگلستان و فرانسه بودند . (آیتی ، حقوق آفرینش های فکری ، ۱۳۷۵ ص ۲۷) .

از عواملی که اندیشه مالکیت معنوی را بیشتر دامن زد ، تحولات و دگرگونی های سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی بود که از قرن شانزدهم به این طرف ، در کشورهای متمدن آن روز ، به خصوص کشورهای اروپایی ، رخ داد . (همان)
سر مطلب آن است که قواعد حقوقی در شکل گیری و تکامل خود ، همواره به پیروی از شرایط و اقتضائات حرکت می کند و تحولات و دگرگونی های فرهنگی ، سیاسی ، اقتصادی و ایدئولوژیکی ، در فرآیند شکل گیری و تکامل آنها نقش اساسی دارند (آذری ، حقوق معنوی پدید آورنده اثر ، ۱۳۶۰ ، ص ۲۲) .

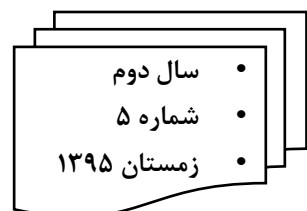
در سطح بین المللی نیز تا به حال چندین قرار داد مهم ، در حمایت از مالکیت فکری منعقد گشته که مهم ترین آنها " معاهده پاریس و پیمان نامه برن " است . معاهده پاریس در سال ۱۸۸۳ بین سیزده کشور جهان ، برای حمایت از مالکیت صنعتی به امضاء رسید که از موارد زیر حمایت می کرد : ۱- اختراعات ۲- علائم تجاری و خدماتی ۳- طرح های صنعتی . (لطفی ، ریشه های تاریخی حق تالیف و حمایت حقوق صنعتی ، ۱۳۲۱ ، ص ۱۲۹ نقل از مقاله عمران حلیمی تحت عنوان : مبانی فقهی و حقوقی مالکیت معنوی از نگاه مذاهب ، سایت Noor Magz)

قرارداد برن نیز دو سال پس از آن برای حمایت از آثار ادبی و هنری شکل گرفت که موضوعات زیر را مورد حمایت قرار می داد :

- ۱-رمان ها ، داستانهای کوتاه ، اشعار و نمایشنامه ها .
- ۲-ترانه ها ، اپراها ، موسیقی ها و سونات ها .
- ۳-طرح ها ، نقاشی ها ، پیکر تراشی ها و آثار معماری . (نوروزی ، حقوق مالکیت فکری ، حقوق مولف و مالکیت صنعتی ۱۳۸۱ ، ص ۲۴ - نقل از همان) .

معمولا مالکیت معنوی در دو بخش کلی تفکیک و مورد مطالعه قرار گرفته است که این تقسیم بندی با تبعیت از همین قراردادهای بین المللی صورت گرفته است . ۱- مالکیت صنعتی ۲- حق التالیف .

اگرچه سالهاست که این موضوع در محافل حقوقی و بین المللی مورد بحث و نظر است ولی از نظر فقهی سابقه طولانی ندارد و تحت عنوان " مسائل مستحدثه " مورد بررسی قرار می گیرد . در میان فقها ، دو نظریه متفاوت در باره آن وجود دارد . بعضی عقیده دارند که مالکیت معنوی ، اصولا موضوعی نیست که بشود قوانین حقوقی برای آن وضع کرد و عده ای نیز معتقدند ، می شود این مسئله را با توجه به بعضی اصول و چهار چوب های فقهی ، به رسمیت شناخت .



۲. بحث

تعریف مالکیت معنوی

اصطلاح مالکیت معنوی ، معادل " Intellectual property " در انگلیسی است . واژه " property " در زبان انگلیسی ، به معنای مالکیت و نیز مال و و شیی است که مالکیت به آن تعلق می گیرد . عبارت " Intellectual " نیز معنای وصفی دارد و بر توانایی فرد به فکر کردن در یک روش عقلایی و شناخت اشیاء یا به کار گیری این توانایی دلالت دارد . (حکمت نیا ، مبانی نظری مالکیت فکری با تاکید بر فقه اسلامی ، ۱۳۷۸ ، ص ۱۶۲) پس با توجه به این تعریف می توان گفت : هرفکر یا ایده خلاقانه که منجر به طرح یا تولید محصولی شود که مورد استفاده جامعه قرار بگیرد در حوزه مالکیت معنوی قرار می گیرد ، خواه نتیجه این اندیشه ، محصولی صنعتی یا تجاری باشد خواه محصولی فرهنگی و هنری . البته برخی از حقوق دانان با بکار گیری لفظ مالکیت معنوی مخالفند و عبارت مالکیت فکری را مناسب تر می دانند زیرا لفظ معنوی گرچه ممکن است جامع باشد ولی مانع نیست . چون این لفظ در لغت در مقابل مادی و صوری و ظاهری تعریف شده و نیز با توجه به اینکه اصطلاح " Intellectual property " محصولات و تراوشات فکری است و کلمه مزبور در زبان فارسی سیر در عالم معنی و باطن را در ذهن تداعی می کند و ما را از موضوع واقعی دور می کند ، عنوان حقوق مالکیت فکری بهتر است . البته عنوان مالکیت معنوی ، مصوب مجلس شورای اسلامی است . (امامی ، حقوق مالکیت های فکری ص ۱۹۳ ، به نقل از مقاله مرتضی رحیمی و دکتر عباسعلی سلطانی ، تحت عنوان مبانی فقهی حقوق مالکیت معنوی در فقه شیعه).

اصطلاح حقوق معنوی یا حقوق فکری را پیکار ، حقوق دان بلژیکی ، برای نخستین بار در سال ۱۸۹۹ بکار برده و بعضی از حقوقدانان به جای آن اصطلاح مالکیت های غیر مادی ، حقوق بر اموال غیر مادی و حقوق جلب مشتری را بکار برده اند . (امانی ، قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری ، ۱۳۸۳ ، ص ۲۴ به نقل از همان).

حقوق دانان ، تعبیر مختلفی را برای اصطلاح حقوق مالکیت معنوی بکار برده اند که در تمام آن تعبیر ، مالیت داشتن فکر و ایده مورد تایید بوده است . مثلا طبق یکی از تعاریف ، حقوق مالکیت فکری (معنوی) حقوقی است که به صاحب آن اجازه می دهد از منافع و شکل خاصی از فعالیت یا فکر انسان ، منحصر استفاده کند (حاتمی ، نگرشی بر حق مالکیت فکری و تعیین جایگاه آن در قلمرو علم حقوق ، ص ۸۲) یا مجموعه حقوقی که صرفا به شخصیت صاحب حق بوده و به فعالیت فکری او ناظر است . (آذری ، حقوق معنوی پدید آورنده اثر ، ص ۱۴۱).

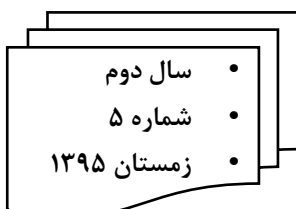
یا طبق تعریفی دیگر ، این حقوق ، مزایای قانونی و غیر مادی مربوط به شخصیت پدید آورنده یک اثر فکری است که به موجب آن ، وی برای همیشه از یک دسته حقوق خاص ، برخوردار است ، یا حقوق و امتیازات غیر مالی است که مربوط به شخصیت پدید آورنده و برای حمایت از او وضع شده است . (حقوق آفرینش های فکری ، ص ۱۳۳).

طبق این تعاریف مالیت این دسته از حقوق تایید شده و فعالیت های فکری در زمره اموال قرار خواهند گرفت که بر اساس آن قوانین حقوقی مالکیت بر اموال ، بر آنها بار می شود و برای استفاده از آنها طبق قوانین حقوقی و شرعی اجازه مالک لازم و واجب است ولی فقهای اسلامی دیدگاههای متفاوتی در این باره دارند که در ادامه مطرح می شود .

دیدگاه فقها در باره حقوق مالکیت معنوی (فکری)

نظریات و مستندات مخالفان حقوق مالکیت معنوی

عده ای از فقها با استناد به قواعدی مانند قاعده تسلیط ، نهی از کتمان علم ، عدم اعتبار مالکیت معنوی و ... آن را جزو حقوق شرعی محسوب نمی کنند که اینک به توضیح آنها خواهیم پرداخت .



۱. نهی از کتمان علم

ایشان با استناد به آیه ۱۵۹ سوره بقره که می فرماید: " ان الذین یکتُمون ما انزلنا من البینات و الہدی من بعد ما بینہ للناس فی الکتاب ، اولئک یلعنہم اللہ و یلعنہم اللاعنون " ، حق انحصاری برای پدید آورنده محصول فکری را به منزله کتمان علم می دانند و آن را مخالف نص قرآن کریم می دانند . هرچند که شان نزول آیه فوق الذکر، در مورد مذمت اهل کتاب (یهودیان) به خاطر کتمان حقایق مربوط به نشانه های ذکر شده نبوت پیامبر اکرم (ص) در کتب خویش می باشد و ظاهراً ربطی به کتمان علم با این مشخصات، و در حوزه بحث کنونی ندارد ، لیکن فقها از این آیه و آیات مشابه استفاده می کنند یا روایاتی را مورد استفاده قرار می دهند که کتمان علم را از ناحیه عالم نهی فرموده اند مانند : عن النبی (ص) : من سئل عن علم یعلمہ فکتہم الجہم یوم القیامہ بلجام من نار (مازندرانی، شرح اصول الکافی ، ج ۱ ۱۳۸۸ ق ، ص ۱۸۹).

یا ، النبی (ص) : اذا ظهرت البدع فی امتی فلیظہر العالم علمہ و من لم یفعل فعلیہ لعنہ اللہ (همان ، ج ۲، ص ۲۳۵).

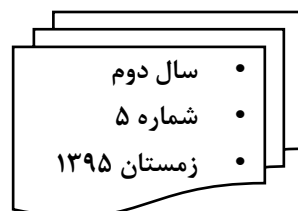
از میان علمای متاخر نیز کسانی مانند امام خمینی (ره) با این حقوق مخالفت نموده اند و آن را به رسمیت نمی شناسند. ایشان در تحریر الوسیله (ج ۲، ص ۶۲۵). حقوق مالکیت معنوی ، من جمله حق تالیف و حق اختراع را قبول ندارند و پذیرش این حقوق را موجب عدم ترویج ارزش های دینی و باقی ماندن مردم در جهالت و عقب ماندگی می دانستند .

یکی دیگر از دلایل ایشان در مخالفت با حقوق مالکیت معنوی (حق تالیف) وجوب ارشاد جاهل می باشد . (به نقل از مقاله مبانی فقهی حقوق مالکیت معنوی در فقه شیعه ، تالیف مرتضی رحیمی و دکتر عباسعلی سلطانی).

اگرچه کتمان علم به طور کلی از طرف شارع مقدس نهی شده ، ولی به نظرمی رسد ، قائل شدن حق مالکیت فکری برای تولید کنندگان محصولات فکری و برای متفکران ایده پرداز ، با این موضوع متفاوت است زیرا بحث حقوقی مالکیت فکری برای جلوگیری از جعل و سوء استفاده از تولیدات فکری است ، نه استفاده صحیح و این به معنای کتمان علم نیست ، بلکه قائل شدن حریمی برای اندیشمندان است که با طیب خاطر به خلق آثار و محصولات عام المنفعه بپردازند . از طرفی اگر قوانین بتواند برای آنان ، این آسودگی خیال را فراهم نماید و افکار عمومی جامعه ، این باور را بپذیرند که جعل ، سوء استفاده ، کپی و بهره برداری از منافع مادی محصولات فکری ، بدون اجازه صاحبان اصلی آنها ، کاری ناپسند و مذموم است و تبعات حقوقی و قانونی دارد و نیز برای صاحبان اندیشه جایگاه حقوقی قائل باشند ، قطعاً آنان مخالفتی با گسترش افکار و علوم توسط تولیداتشان نخواهند داشت، زیرا یکی از اهداف آنان ، تشویق و هدایت جامعه به سوی علم و تعالیست . با توجه به این موضوع به نظر میرسد ، تایید حقوق مالکیت معنوی ، به صلاح جامعه علمی کشور است و باعث رشد علوم و آگاهی در سطح جامعه خواهد شد نه عقب ماندگی و جهل ضمن آنکه هرگاه اندیشمندان ، که اکثراً ایده و تفکرات و محصولات فکری آنان ، منبع امرار معاش آنان است، بدانند قانون مدافع حقوق مالی و منافع مادی ایشان است و امکان تضییع این حقوق در جامعه وجود ندارد ، با دلگرمی و آرامش بیشتری به خلق آثار علمی خواهند پرداخت .

۲. تعارض حقوق مالکیت معنوی با قاعده تسلیط

طبق قاعده تسلیط ، هرگاه انسان کالایی را خریداری کند و در عوض آن وجه پرداخت کند خواه آن کالا صنعتی باشد یا فرهنگی ، تجاری باشد یا هنری در هر صورت مال او محسوب می شود و طبق آیه " الناس مسلطون علی اموالہم " او حق هرگونه تصرفی در مال خویش مانند تقلید و انتشار را خواهد داشت و به عبارت دیگر ، پس از خرید هر محصولی ، چون مالک آن محصول می شود ، نسبت به آن صاحب حق تقدم خواهد داشت و عدم جواز انتشار یا تقلید یا هر نوع تصرف دیگر در آن مستلزم این است که مال از سلطه فرد خارج گردد . حضرت امام خمینی (ره) نیز با همین ادله در این باره می فرماید :



آنچه نزد بعضی حق طبع نامیده می شود ، حق شرعی نیست و سلب تسلط مردم بر اموالشان بدون هیچ گونه عقد و شرطی جایز نیست . بنابراین مجرد طبع کتاب و نوشتن در آن به اینکه حق طبع و تقلید برای صاحب آن محفوظ است ، چیزی را موجب نمی شود و این قرار با غیر شمرده نمی شود . پس برای غیر او طبع و تقلید جایز است و برای کسی جایز نیست که او را منع نماید . (امام خمینی ، تحریرالوسیله ۱۴۰۹ ق ، ص ۶۲۵).

همچنین می فرماید : آنچه معمول است از ثبت صنعت برای مخترع آن و منع دیگری از تقلید و تکثیر آن شرعا اثری ندارد و منع دیگری از تقلید آن و تجارت به آن جایز نیست و کسی حق ندارد سلطه دیگری را از اموال او و خود او سلب نماید (همان).
برخی نظریه امام خمینی (ره) را اینگونه شرح و بسط داده اند که : دلیلی بر ثبوت این حق از جانب شارع نداریم و نیز مسئله از موضوعات ارتکازی عقلا نیست تا شارع آن را امضاء کند ، زیرا عقلا با ارتکازشان ، این مسئله را تایید نمی کنند که ناشرتنها به دلیل چاپ کتاب ، افزون بر کتاب بیرونی که موجود است و ملک او شمرده می شود ، حق دیگری داشته باشد چنانکه عقلا بازداشتن مردم را از حق تقلید و اقتباس نمی پذیرند ، چون انسان بنا بر حقیقت و فطرتش در تمامی اشیاء ، اعمال ، اختراعات و صناعاتش تقلید می کند . عقلا تقلید از صنایع و استفاده ثمرات فکری و اعمال گذشتگان را هرگز تصرف در حقوق مردم نمی شمارند تا برای این تصرفات ناگزیر از اجازه ایشان شوند.

چاپ کتاب نیز از این سیره عقلایی جدا نیست .ایشان ابتدا نادرستی بازداشتن دیگران از تقلید و طبع کتاب را اینگونه می دانند که چنین منعی برای مردم مزاحمت است و سیطره آنان را بر نفس و مالشان نادیده می گیرد . عقد و شرطی نیز در کار نیست تا عمومات وفای به عهد ، عقد و شرط آن رادر برگیرد . از این رو ثبت عبارت " حق طبع محفوظ است " پدید آورنده حق نیست و مصداق عقد و شرط نمی باشد (مطهری ، مستند تحریرالوسیله ، ۱۴۰۳ ق ، ص ۱۸۹-۱۸۶). باتوجه به دلیل مذکور اگر مالیت حقوق مالکیت معنوی را بپذیریم ، همین قاعده دلیلی برای عدم مجوز تصرف در مالکیت معنوی خواهد شد زیرا در صورت پذیرش مالیت محصولات معنوی ، این محصولات جزو اموال پدید آورنده محسوب می شوند و در این صورت تصرف در اموال آنها جایز نیست . البته همانگونه که ذکر شد در صورتی این قاعده در مشروعیت مالکیت معنوی کاربرد دارد که مالیت آن در درجه اول اثبات گردد.

۳. عدم اعتبار مالکیت معنوی از سوی شارع

یکی از دلایل مخالفت برخی از فقها با مالکیت معنوی ، عدم وجود امضاء شارع بر این حقوق است . طبق نظرایشان با اینکه در زمان شارع ، گونه ای از انواع مالکیت معنوی (البته نه به صورت امروزی) موجود بوده ، ولی عدم اظهار نظر شارع مقدس به معنای عدم مشروعیت آن است و با وجود اینکه در باب این حقوق ، هیچ منعی نیز از جانب شارع صورت نگرفته است ولی مشروعیت آن ثابت نمی شود ، زیرا در صورتی می شود مشروعیت موضوعی را از عدم منع شارع نتیجه گرفت که آن موضوع در آن زمان مورد بحث واقع شده باشد ، حال آنکه مالیت محصولات فکری و قوانین حقوقی مالکیت معنوی به صورتیکه امروزه مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته در زمان شارع ، رایج نبوده . لذا نظر ایشان به صورت خاص معلوم نیست .

آیت اله صافی گلپایگانی با نظربه همین استدلال میگوید : حق طبع ، حق تالیف و حق اختراع را به مفهومی که در قوانین موضوعه جدید از آن تعریف شده و آثاری که بر آن مترتب می نمایند ، حقیر نتوانسته ام با احکام و نظامات اسلامی تطبیق نمایم و از عقود و معاملات هم نیست که بتوانیم بگوییم هر چند در عصر شارع مقدس عنوان نمی شده است . مولی به اعتبار اینکه عقد و معامله است ، با ملاحظه شرایطی که در صحت عقد و معامله معتبر است ، مشمول اطلاعات یا عموم بعضی ادله مثل (اوفو بال عقود) است و اگر گفته شود این هم حقی است که عرف زمان ما آن را اعتبار می کند ، نظیر حق التحجیر و حق السبق که چون شارع از آن ردع نکرده از عدم ردع او استکشاف امضاء می نمایم و معتبر است ، جواب این است که عدم ردع

نسبت به حقوقی که در عصور متاخره از عصر شارع مقدس و ائمه طاهرين (ع) عرفا یا برحسب قوانین موضوعه مستحدث می شود، نمی شود به اطلاق یا عموم آن تمسک نمود. بلکه در ارتباط با اقتباس از اختراع یا تالیف یا تجدید طبع کتاب یا تقلید از آثار هنری مشروعه، اگر متوقف بر تصرف در مال غیر باشد، بدون اذن صاحب مال جایز نیست، اما بر حرمت نفس اقتباس دلیلی وجود ندارد و می توان گفت فرق است بین وجود منشاء انتزاع و اعتبار حق در عصور متاخره که گفته شود در مثل اول، که منشاء انتزاع در عصر آن حضرت و بین وجود منشاء انتزاع و اعتبار حق در عصور متاخره که گفته شود در مثل اول، که منشاء انتزاع در عصر شارع اعتبار حق نمی شده و معامله عدم حق آن می شده فعلا همان حکم به عدم اعتبار حق جاری است، مثل حق ابتکار و اختراع و حق تالیف. با این که در زمان شارع هم تالیف و اختراع و ابتکار بوده است اما برای مولف و مبتکر و مخترع و محقق حقی اعتبار نمی شده و شارع هم اعتبار نفرموده است و به عبارت دیگر، بنا بر عدم اعتبار بوده، ولو به این معنا که چون مورد التفات و توجه نبوده است، آثار مترتب بر آن مشروعیت نداشته، شارع هم با عدم تشریح این حق روش عرف را امضاء فرموده است. و در مثل دوم از حقوقی که منشاء انتزاع آن و نیز اعتبار آن حقوق مستحدث باشد، اگر چنان باشد که معتبر نشمردن آنها با اعتبار حقوقی که شرعا ثابت است در تهافت و تناقض باشد، به این معنا که عرف الغای خصوصیت بین آنها بنماید و از دلیل اعتبار شرعی آنها اعتبار این حقوق را نیز استظهار نماید حکم به اعتبار و مشروعیت آنها می شود ولی پیدا کردن چنین موردی بسیار نادر است و شاید نایاب باشد. لذا در هر دو صورت نمی توان اعتبار این حقوق را شرعاً ثابت دانست... بنا علی کل ما ذکر، مشروعیت حقوق مذکوره را ثابت نمی دانیم و هر چند ترتب برخی از آثاری که بر این حقوق مترتب می گردد به طور شرط ضمن عقد امکان پذیر است اما مقاصد مهمی را که ارباب دعوی این حقوق دارند با شرط نمی توان تامین کرد (فصلنامه رهنمون، ص ۲۰۸).

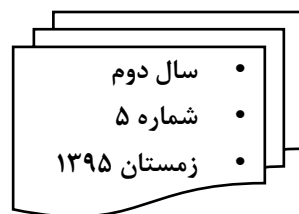
در توضیح این اشکال باید ذکر کرد که حقوق مذکور در باب عهود قرار می گیرند نه در باب عقود، که بتوان شرط ضمن عقد برای آن متصور شد زیرا چنانچه می دانیم عقد، پیمانی است که مابین دو نفر و به صورت قرارداد، با شرایط مورد توافق دو طرف منعقد می گردد در صورتی که عهد، پیمانی است یک جانبه که طرف دوم ندارد.

لذا حقوق مالکیت معنوی نیز در گروه عقود قرار نمی گیرند که نشود برای آن شرط ضمن عقد قائل شد. همچنین از آنجائیکه مسئله حقوق مالکیت فکری، به صورتی که امروز مطرح است، در زمان شارع مقدس محل بحث نبوده و ارزش اقتصادی نداشته، پس چگونه می شود امضای شارع را در باره موضوعی که مبتلا به جامعه آن حضرت نبوده پیدا کرد؟ زیرا به دنبال تحولات اجتماعی و پیشرفت علوم و فنون و تکنولوژی، مسائل جدیدی نیز در حوزه های اجتماعی، حقوقی، اقتصادی، فرهنگی و... ظهور پیدا می کند که قطعا از مسائل جوامع کنونی است و در عصر شارع وجود نداشته و نمی توان برای همه آنها امضای شارع را جستجو نمود، زیرا در اینصورت در حل مسائل جدید با مشکلات عدیده ای روبرو خواهیم شد و به نظر می رسد برای وضع قوانین جدید باید به همین بسنده کرد که آنها تعارضی با حدود شرعی نداشته باشند و از عدم ردع شارع در مورد موضوعات مشابه می توان امضای شارع را نتیجه گرفت.

طبق گفته امام خمینی (ره) عرف هر جامعه ای وقتی در جامعه مورد پسند عقلا قرار گیرد و مورد اعتماد و معتبر قرار گیرد، هر چند که به معصوم متصل نباشد. چنانچه دلیل مخالفی از شرع در برابر آن نباشد، یکی از منابع قانونگذاری به شمار می رود. (امام خمینی (ره)، الاجتهاد و... ص ۶۴).

۴. اموال معنوی جزو سرمایه های حکومت اسلامی است

بعضی از اندیشمندان معتقدند اموال معنوی در تملک شخص خاصی قرار نمی گیرد بلکه از دارایی های عمومی و ملی است و در اختیار حکومت است، و تحقیقات اندیشمندان گذشته است و به عموم افراد جامعه تعلق دارد و در انحصار



شخص خاصی قرار نمی گیرد. استاد مطهری این را در مورد اختراعات پذیرفته است و می گوید :
ماشین از آن نظر که مظهر ترقی اجتماع است و محصول ماشینی را نمی توان محصول غیر مستقیم سرمایه دار دانست بلکه محصول غیرمستقیم شعور و نبوغ مخترع است و آثار شعور و نبوغ نمی تواند مالک شخصی داشته باشد ، پس ماشین های تولید شده نمی تواند به اشخاص تعلق داشته باشد ، اینها مسئله دیگری است اینها نقض مالکیت فردی نیست الغای مالکیت خصوصی نیست ، بلکه مالکیت اشتراکی در موارد خاصی است . موجبات آن اقتضا می کند در آن موارد مالکیت اشتراکی و اجتماعی باشد و نه فردی . (مطهری ، نظری به اقتصاد اسلامی ، ص ۵۹ - ۵۸) .

نظرات و استنادات موافقان مالکیت معنوی :

موافقان حقوق مالکیت معنوی بر این باورند که ، نظام فقهی اسلام ، نظامی پویاست و باید مطابق اقتضائات زمان ، مسائل جدید را از چهارچوب های اصلی آن استخراج کرد . طبق این دیدگاه به دلیل یکسان نبودن شرایط جامعه در زمان شارع با جوامع کنونی ، کاستی هایی در حقوق اسلامی وجود دارد که تدوین قوانینی در جهت رفع این کمبود ها در قالب اصول اسلامی و نظام فقهی شرع ، به عهده حاکم اسلامی است و برای حل مسائل مستحدثه از اصولی مدد می گیرند که منافاتی با شرع مقدس نداشته باشند .

۱. مشروعیت مالکیت معنوی بر اساس نظریه منطقه الفراغ

پایه گذار این نظریه شهید صدر بوده است. منطقه الفراغ به حوزه ای از شریعت ناظر است که به جهت ماهیت متغیر آن ، احکام و موضوعات و عناوین می توانند متغیر باشند و شارع ، وضع قواعد مناسب با اوضاع و احوال و مقتضیات زمان و مکان را با حفظ ضوابط و در چارچوب معینی به عهده ولی امر گذاشته است . در صورت پذیرش این نظریه به چند نکته دست خواهیم یافت :

الف : مبنای اعتبار مالکیت معنوی ، اراده قانونگذار خواهد بود که مشروعیت اختیار ایشان از سوی شارع افاضه شده است .
ب : نظام مالکیت معنوی دارای ثبات و دوام نخواهد بود و شرایط و اقتضائات ممکن است ، آن را دچار تحول و دگرگونی کند یا حتی نظام دیگری جایگزین آن گردد .

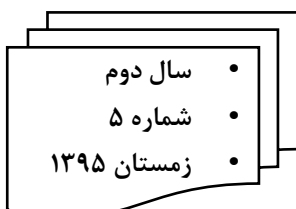
ج : مدت و شرایط مالکیت معنوی ، تابع مصالحی است که قانونگذار به آن توجه کرده است .

د : پس از وضع قانون می توان جایگاه معنوی را در ساختار حقوق و نهادهای آن تعیین کرد .

این نظریه ، یک نظریه غریب یا به اصطلاح فقها شاذ است . ایشان اولین کسی بود که این نظریه را مطرح نمود و پس از ایشان هم چندان این نظریه مورد استقبال قرار نگرفت . همچنین مخالفان این نظریه می توانند با پیش کشیدن آیات و روایات حاکی از جاودانگی و جامعیت شریعت ، وظیفه حاکم اسلامی را در مرحله تطبیق احکام کلی بر مصادیق منحصرنموده و بگویند این احکام در مرحله ذات یا اجرا دارای انعطاف خاصی هستند و تنها در مرحله تطبیق ممکن است گاهی بین آنها ناسازگاری هایی بوجود آید . (حکمت نیا ، مبانی نظری مالکیت فکری با تاکید بر فقه اسلامی ، ص ۲۲۷ - نقل از مقاله مبانی فقهی و حقوقی مالکیت معنوی از نگاه مذاهب ، عمران حلیمی)

۲. قاعده لاضرر

فقها در نظریات خود ، در موارد مختلفی به قاعده لاضرر تمسک نموده اند . طبق این قاعده ، هر معامله یا حکم که به موجب آن به جان ، مال یا آبروی مسلمانی ضرر و زیانی وارد شود ، از نظر شرع محکوم است و نظر شارع به حرمت آن است . موافقان ، با توسل به این قاعده ، حقوق مالکیت معنوی را این چنین تبیین می کنند که : هر محصول معنوی ، حاصل تلاش و زحمات



پدیدآورنده آنست و چه بسا مخترع یا مولف یا خالق یک اثر هنری ، سالیان متمادی را برای خلق آن اثر صرف کرده باشد و نادیده گرفتن زحمات و هزینه هایی که شخص در پی خلق اثر فکری خویش مصروف داشته ، معادل ضرر زدن به اوست و این با اصول فقهی اسلامی ، در تعارض است . توضیح این مطلب آنکه با توجه به حضور گسترده وسایل ارتباطی مانند اینترنت و ظهور وسایل جدید در عرصه تولیدات فکری مانند سی دی ها و ... متفکرین و دانشمندان علوم مختلف ، چاره ای جز همگامی با این فن آوری های نوین ندارند به تبع آن امکان دستیابی به محصولات فکری ، بسیار آسان تر و سریعتر از گذشته شده است . قطعا محافظت از حریم یادشده نيز دشوارتر است و به حمایت بیشتری از جانب قانونگذار نیاز دارد . زیرا عدم حمایت قانونی از تولیدات معنوی ، باعث دلسردی صاحبان اندیشه خواهد شد و انگیزه آنان را برای انجام کارهای علمی و فرهنگی از بین خواهد برد .

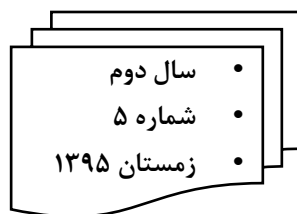
۳. ولایت فقیه

اختیارات گسترده ای که بر مبنای نظام فقهی اسلام به حاکم اسلامی واگذار شده ، در بسیاری از مسائل مستحدثه راهگشاست زیرا براساس اصول فقهی اسلام تبعیت از ولایت فقیه در مسائل حکومتی بر همگان واجب است . ولی فقیه می تواند با توجه به لزوم حمایت قانون از حقوق مالکیت معنوی از اختیارات گسترده خویش استفاده نماید و جامعه را ملزم به محترم شمردن این حقوق و تبعیت از نظام حقوقی مالکیت فکری نماید . البته قابل ذکر است که امام خمینی (ره) علیرغم آنکه خود بنیانگذار مبنای ولایت فقیه در معنای بسیط آن بودند ، اما هرگونه حق مالکیت معنوی ، من جمله ، حق طبع و حق تالیف را نامشروع می دانستند . به نظر میرسد در زمان حیات ایشان حقوق مالکیت معنوی چنین گستره و بازتابی در جامعه نداشته است . البته برخی از فقها که مخالف حقوق مالکیت معنوی هستند ، مانند آیت ... صافی ، امامی و حائری ، احکام حکومتی رادر حمایت از حقوق مالکیت معنوی در حد بسیار اندک پذیرفته اند .

۴. قاعده صحت

گروهی از موافقان مالکیت معنوی معتقدند که اصل صحت ، در مشروعیت بخشیدن و اثبات فقهی بیشتر مسائل مستحدثه کاربرد دارد . براساس این قاعده در صورتیکه در صحت مسئله ای از نظر فقهی ، شک وجود داشته باشد ، به صحت آن حکم می گردد . لذا در مسائلی مانند مالکیت معنوی که شک است مورد تایید شارع بوده است یا خیر ، چون به عدم صحت آن نرسیده ایم ، می توانیم به صحت اصل مورد نظر حکم کنیم . البته در باره این اصل دو دیدگاه فقهی وجود دارد . براساس یک دیدگاه ، اصل یادشده در صورتی قابل اجرا است که شرایط عرفی و شرعی معامله و عقد محرز باشد ، لذا با توجه به این که شرایط عرفی و شرعی حقوق مالکیت معنوی محرز نیست ، تمسک به اصل یاد شده ، برای حکم نمودن به صحت حقوق مزبور نادرست است . به عبارتی پیش از اثبات شرعی بودن معاملات مستحدثه ، از جمله حقوق یادشده برای اثبات اعتبار آنها نمی توان از اصل صحت بهره گرفت . این نگرش در میان فقها پیروان بیشتری دارد . (بجنوردی ، ج ۱ ، ص ۲۹۲) .

براساس نگرش دوم که برخی از فقها از جمله شیخ انصاری (فراند الاصول ، ج ۳ ، ص ۳۶) . به آن گرایش دارند استفاده از اصل صحت برای اثبات اعتبار و مشروعیت مسائل مستحدثه امکان پذیر است . براساس این نگرش می توان برای اثبات شرعیت حقوق مالکیت معنوی بهره گرفت (به نقل از مقاله مبانی فقهی حقوق مالکیت معنوی در فقه شیعه ، نوشته رحیمی ، سلطانی) .



۵. حق سبق

از جمله دلایل مورد استناد برای اثبات شرعیت حقوق مالکیت معنوی قاعده سبق است (مهریزی، ص ۴) موافقان در توضیح این مطلب به این حدیث استناد می کنند که هرکس پیشی بگیرد هرآنچه کسی قبلا به آن پیشی نگرفته است وی به آن سزاوار تر است. (بیهقی، ج ۶، ص ۱۴۲) پس صاحبان اندیشه و تولید کنندگان محصولات فکری، به دلیل این که پیش از دیگران موفق به خلق آثار خود شده اند، نسبت به آنها محق هستند و بر آنها مالکیت پیدا می کنند. البته به نظر می رسد این دلیل محکمی برای اثبات مالکیت معنوی نباشد، زیرا در تولید برخی از محصولات فکری مانند اختراعات یا اکتشافات، مخترع با استفاده از علوم گذشته موفق به خلق اثر خود شده است. پس می توان صاحبان اندیشه در گذشته را نیز در آن شریک دانست ولی در بعضی از تولیدات فکری مثل تالیف، شاید بتوان به این دلیل استناد کرد.

۶. اثبات مالکیت معنوی بر اساس عموم اوفاو بالعقود

در خصوص این دلیل باید گفت: این دلیل مورد استناد مخالفان مالکیت معنوی نیز هست، زیرا از نظر آنان حقوق مالکیت معنوی، شرایط عقد را ندارد که با تمسک به این آیه بشود آن را اثبات کرد و هیچ یک از مصادیق عقود و معاملات بر آن قابل اثبات نیست، لیکن در اثبات این حقوق توسط موافقان نیز دلایلی ذکر گردیده است که قابل تامل است. ایشان معتقدند با توجه به فرا زمانی بودن و جهان شمول بودن آیات الهی و سخنان شارع مقدس، این آیه بر کلیه قراردادهایی که در زمان شارع و بعد از آن با توجه به عرف جامعه در زمره عقود و عهود قرار می گیرند، اطلاق دارد و می شود از این آیه به نفع اثبات حقوق مالکیت معنوی نیز بهره گرفت.

۷. لا تاكولوا اموالكم منكم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض (نساء / ۲۹)

آیه شریفه مذکور یکی از آیاتی است که موافقان مالکیت معنوی به آن استناد می کنند. بر اساس آن با توجه به کلمه استثناء که در آیه آمده و قید تراضی، این حقوق، مصداق تجارت همراه با رضایت است و صحیح می باشد. به عبارت دیگر آنجاکه در این آیه ملاک صحت عقود و قرارداد هارا رضایت طرفین اعلام می کند. این مورد در حقوق مالکیت معنوی وجود دارد زیرا بهره مادی در تولیدات فکری نافی اکل به باطل است و هم چنین قراردادهایی که بین مولف و ناشر بسته می شود، نشان دهنده تراضی است، از همین روی به دلیل آنکه معاطات عرفا تجارت محسوب می شود و تراضی را همراه خود دارد به صحت آن حکم شده است. (بحر العلوم، ج ۲، ص ۱۰۱) به نقل از مقاله مبانی فقهی حقوق مالکیت معنوی در فقه شیعه، (رحیمی).

۸. سیره عقلا

سیره عقلا شامل مسلمانان و غیرمسلمانان می شود و در نزد اصولیان متأخر، تبعیت از آن به بنای عقلا، شایع است. (مظفر، ج ۲، ص ۱۵۳، به نقل از همان). با توجه به اینکه بحث حقوق مالکیت معنوی تنها اختصاص به مسلمانان ندارد و مسئله ای جهانی است و نخبگان، اندیشمندان و خردمندان جهان از نظر آن را پذیرفته و قراردادهای متنوعی در باب حمایت از آن منعقد شده، می توان به صحت آن حکم نمود زیرا در عرف عقلا اثبات این حق به مصلحت جامعه است و باعث رشد و پیشرفت علمی جوامع خواهد شد و از آنجا که سیره عقلا، یکی از دلایل محکمی است که می توان از آن برای اثبات یا رد مسائل مستحدثه استفاده کرد و نیز چون هیچ ردع و منعی از جانب شارع نسبت به این حقوق به دست فقها نرسیده است پس حکم به صحت آن می نمایند. ضمن آنکه عقل نیز به صحت آن حکم می کند. مسئله دیگر این که با توجه به آیات امر به معروف،

مانند " خذالفو وامر بالمعروف " (اعراف / ۱۹۹) این حقوق به عرف تعبیر می گردد و به نوعی اشاره به عرف و سیره عقلا دارد (حسینی تهرانی، ص ۶).

یعنی به موجب این آیه شریفه و آیات مشابه هرچه که از دیدگاه عرف، به معروف معنا شود امر به آن لازم است و شرعیت آن، اثبات می شود. به تعبیر دیگر منظور از کلمه (العرف) در آیه امر بالعرف، طبق گفته بیشتر فقهای اهل سنت نیز، عرف است از سویی عرف عقلا، عبارت دیگری است از زمان و مکان که بر فقه اثر چشمگیری دارد و با عناوین، عادت، عادت عقلا، سنت، سیره عقلا، طریقه عقلا بنای عقلا، موقع یا مواقع یا مواقف عقلایی، قوانین عقلایی، اصل عقلایی، احکام عقلایی، امرار تکازی، ارتکازیات و ارتکاز عقلا از آن تعبیر می شود و اخیرا تاثیر زمان و مکان در فقه و اجتهاد تعبیر جدیدی است از امام خمینی (ره) که مراد از همه این تعابیر یاد شده جز عرف عقلا و اندیشمندان چیز دیگری نیست. (رحیمی و سلطانی، مقاله مبانی فقهی حقوق مالکیت معنوی در فقه شیعه) همانگونه که ذکر شد، سیره عقلا یکی از دلایل مهم اثبات شرعیت در مسائل مستحدثه از جمله حقوق مالکیت معنوی است. آیت... مکارم شیرازی در پاسخ به استفتایی درباره حقوق مزبور می گوید:

مالکیت فکری همچون مالکیت مادی محترم است و تجاوز به حریم آن جایز نیست و هر کس تجاوز کند و خسارتی به بار آورد ضامن است زیرا مالکیت، از موضوعات عرفی و عقلانیست و به تعبیر دیگر از موضوعاتی است که عرف و عقلا آن را تعیین می کند و می دانیم در عصر و زمان ما این نوع مالکیت در عرف و عقلا به رسمیت شناخته شده است و از آنجا که موضوع را از عرف می گیریم و حکم را از شرع، چنین نتیجه خواهیم که اصل کلی (لایحل لا حد ان یتصرف فی مال غیره الا باذنه) شامل آن هم می شود. اضافه بر این گاه می شود که برای اختراع یک وسیله صنعتی یا اکتشاف یک دارو یا تالیف یک دوره کتاب یا تولید یک سی دی، میلیون ها خرج می کنند و صدها ساعت زحمت میکشند. به یقین اگر کسی آن اثر را بردارد و بدون اجازه تولید کند تکثیر کننده، ظلم فاحشی مرتکب شده و ظلم از نظر شرع و عقل حرام است و اگر کسی یا کسانی، مرتکب این کار خلاف از طرق غیرقانونی شوند، دلیل بر مباح بودن آن نمی شود و ضامن هستند. (سایت رسمی آیت... مکارم شیرازی استنفاات) درجایی دیگر نیز در پاسخ به سئوالی که در باره مشروعیت حق تالیف بود فرمودند: حق تالیف یک حق عقلایی است که در میان عقلای جهان به رسمیت شناخته شده و تجاوز به آن مصداق ظلم و ممنوع می باشد. و نشر آثار مولفین و شعرا بدون اجازه آنان جایز نیست و این نکته را باید توجه داشت که همیشه مصادیق از عرف گرفته می شود و احکام از شرع مقدس. و مانعی دارد که با گذشت زمان حقوق تازه عقلانی پیدا شود و مشمول احکام کلیه اسلام گردد. حق تالیف از حقوق عقلانی است که شارع مقدس بر اساس عمومات کتاب و سنت آن را امضاء نموده است زیرا در عرف عقلا، عدم رعایت آن، نوعی ظلم محسوب می شود و قابل واگذاری است. طبق نظرایشان تکثیر کتاب ها نیز بدون رضایت صاحبان اصلی آن جایز نیست، مگر اینکه از کفار حربی باشد (همان).

به نظری رسد محکم ترین دلیل در اثبات مشروعیت حقوق مالکیت معنوی، همین دلیل مذکور باشد. زیرا در جایی که اکثر اندیشمندان و نخبگان جهان رای به صحت این حقوق داده اند و آن را ابزاری مهم در جهت تامین امنیت فکری صاحبان اندیشه می دانند و نیز پیامدهای مثبتی که اثبات این حقوق برای رشد جامعه علمی و فرهنگی کشورها خواهد داشت دلیلی برای مخالفت با آن وجود ندارد.

از طرفی عدم هماهنگی کشور ما با دیگر کشورهای جهان در پذیرش حقوق مالکیت فکری، مشکلاتی را در استفاده از دستاوردهای علمی کشور های معتقد به این اصول برای ما بوجود خواهد آورد. زیرا از آنجائیکه آنان پایبند به اصول حقوقی مالکیت فکری هستند، برای استفاده از دستاوردهای علمی و فرهنگی شان باید از قوانین آنها تبعیت کنیم و اگر جامعه ما پذیرای این اصول نباشد، بی شک اشکالاتی در امر تبادل علوم و فنون، بین ما و سایر کشورهای جهان وجود خواهد آمد. کارشناسان سالهاست در باره اثبات این حقوق به بحث و تبادل نظر پرداخته اند و توانسته اند نظر موافق عده ای از فقها را در مشروعیت

بخشیدن به این حقوق جلب نمایند . نتیجه این توافق ، طراحی و عرضه اوراق ایده و فکر در سازمان فرا بورس کشور است که به تازگی شروع به کار نموده است .

اوراق ایده و فکر

این اوراق بهادار ، مبتنی بر طرح یا فکر یا ایده ای است که می توان به شرکت ها یا کارخانه های تولیدی که برای ساخت محصولاتشان به آن ایده ها نیاز دارند ، فروخت . البته قبل از آنکه اوراقی به نام صاحب ایده تهیه شود باید آن ایده یا فکر را در اداره کل مالکیت صنعتی به ثبت رساند و بعد از آن برای عرضه آن به صورت اوراق بهادار به سازمان فرابورس مراجعه کند . مزایای این تشکل را می توان اینگونه برشمرد که ، صاحبان ایده های علمی یا فرهنگی جدید ، بسیاری از اوقات منابع مالی لازم را برای به ثمر رساندن ایده خویش در اختیار ندارند . از طرفی چون سازمانی را برای ارائه طرح خویش نمی شناسند ترجیح می دهند با شرکت های خارجی معامله کنند . شرکت های تولیدی و کارخانه های صنعتی نیز برای بهبود محصولات خویش ، احتیاج به افکار خلاق و طرح های جدید علمی دارند که نمی دانند چگونه به آن دست پیدا کنند . این سازمان با ایجاد هماهنگی بین صاحبان فکر و ایده و تولید کنندگان ، زمینه را برای رشد و ارتقاء تولیدات علمی و فرهنگی کشور فراهم می آورد . رییس سازمان بورس و اوراق بهادار در تشریح اهداف این بازار به این نکته اشاره نموده و می گوید :

بسیاری از مواقع دانشگاهیان و مخترعان و مبتکران دارای ایده ها و ابتکارات جدیدی هستند اما به دلیل عدم ارتباط نظام مند با صنعت قادر به معرفی ایده و ابتکارات خود و در نتیجه تجاری سازی این ایده ها و اختراعات نیستند و بنابر این رابطه بین دانشگاه و صنعت به خوبی برقرار نمی شود . این در حالیست که ایران در نوآوری و اختراعات در دنیا جزو کشورهای پیشرو بوده است و به ویژه جوانان در این عرصه بسیار فعال بوده اند .

در بخش اختراعات و اکتشافات ، افرادی که اختراعی دارند و اختراع خود را در اداره ثبت مالکیت صنعتی به ثبت رسانده اند ، می توانند آن اختراع و یا اکتشاف را در قالب **patel** در بازار دارایی های فکری عرضه کنند و صاحبان بنگاهها و صنایعی که به این دلیل اختراع نیاز دارند می توانند با این اختراع را از صاحب ایده خریداری کرده و یا در تجاری سازی آن با صاحب اختراع مشارکت کنند . به این ترتیب تامین منابع مالی لازم برای عملیاتی کردن ایده و اختراع که اغلب منابع مالی قابل توجهی نیز می باشد . از طریق بازار ایده صورت خواهد گرفت . به گفته او راه اندازی بازار ایده ، امکان عرضه و تجاری سازی طرح های صنعتی را فراهم می کند و برای صاحبان ایده و فکر کسب درآمد کند . (مصاحبه از علی صالح آبادی ، رییس سازمان بورس و اوراق بهادار منتشر شده در سایت خبرگزاری فارس) .

از نتایج خوبی که این طرح خواهد داشت ، تامین منابع مالی مورد نیاز ، برای تجاری سازی طرحها ، اختراعات و اکتشافات ، برقراری ارتباط نظام مند میان صنعت و دانشگاه و بهره گیری از ایده های خلاقانه در راستای ارتقاء صنعت ، تجاری سازی برندها و ایجاد فرصت های کسب درآمد برای صاحبان برند ، اشتغال زایی در کشور و در نهایت حفظ نخبگان در داخل کشور و استفاده از ظرفیت های بالای آنها در راستای ارتقاء جایگاه ایران در عرصه بین المللی است (همان) .

۲. نقد و بررسی

بانوجه به مطالب بیان شده ، در می یابیم که توجه به حقوق مالکیت معنوی و صحه گذاردن قانونگذار بر اصل این حقوق نه تنها مانع پیشرفت علم نمی شود ، بلکه باعث گسترش علوم و فنون از طریق عرضه آنها به صورتهای مختلف می باشد . فقها و مراجع محترم نیز باید ، با توجه به ضرورت های اجتماعی و نیز برای امنیت محصولات فکری ، راهی جدید برای ظهور و شکوفایی اندیشه های جدید و خلاق ، فراروی اندیشمندان و مبتکران و مخترعان جامعه قرار دهند . اثبات مالیت داشتن ایده و فکر به نظر کار چندان سختی نیست . به عنوان مثال ، نویسنده ای که ماهها تلاش نموده تا داستانی را در قالب رمان یا فیلم نامه به نگارش در آورد و آن را در اختیار تولید کنندگان و سازندگان فیلم و سریال قرار دهد ، در صورتی که ایشان بدون

رعایت حقوق نویسنده به تولید فیلم یا سریال آن هم بر اساس فیلم نامه مذکور بپردازند، آیامنافع مادی حاصل از فروش فیلم که نصیب تولید کنندگان فیلم خواهد شد، جزء سرمایه و اموال محسوب نمی شود و ارزش اقتصادی ندارد؟ آیا نویسنده نباید از این منافع مالی بهره مند شود؟ مسلماً قسمت اعظم توفیق یک فیلم یا سریال وابسته به متن قوی و فیلم نامه محکم آن است. فیلم هایی که بیشترین فروش را دارند فیلم هایی هستند که از فیلم نامه های قوی تر و اخلاقی تری بر خوردارند. در این صورت مالیت پیدا کردن فیلم نامه که نوعی محصول فکری است، غیر قابل انکار است و قاعدتاً باید قوانینی در جهت حمایت از آنان وجود داشته باشد. قوانینی که مانع تضییع حق آنان شود و از آنجا که اندیشه و فکر آنان اصلی ترین ابزار کاری آنان است و نیز منبع درآمد و وسیله امرار معاش آنان می باشد. تصویب قوانین مربوط به مالکیت حقوق فکری، نوعی امنیت شغلی برای ایشان محسوب می گردد و قطعاً ایجاد امنیت شغلی برای اندیشمندان و نخبگان جامعه زمینه را برای رشد آنان و به تبع آن رشد جامعه فراهم می آورد. نکته دیگری که قابل ذکر است، اعتقاد شارع به مالیت داشتن اندیشه و امور آموزشی است، زیرا اگر از نظر شارع، امور فکری، ارزش اقتصادی نداشت و قابل مبادله نبود، چگونه می شود آموختن قرآن را جزو صدق زن در نظر گرفت؟ با توجه به همین نکته است که برخی از علمای شیعه مانند، سید مرتضی و شیخ طوسی، اعمال آموزشی انسان را در زمره اموال به حساب آورده اند و آنرا قابل صدق قرار دادن برای زن دانسته اند. " امامیه معتقد است که مانعی ندارد مهر زن، آموختن مقداری از قرآن باشد " (شریف، الانتصار، ۱۴۱۵ ق، ص ۲۹۱)

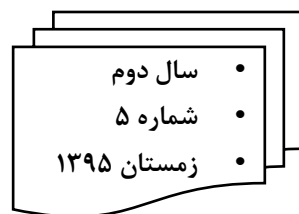
" جایز است منافع انسان آزاد، مثل آموختن آیه ای یا شعر مباحی یا اختیاری قرار داده شود و یا ... (شیخ طوسی، الخلاف ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۳۶۶).

هم چنین اقتضائات زمان و مکان گاهی دلیل وجوب و صدور یک حکم در آن زمان خاص می شود و نمی توان اینگونه تصور کرد که چون در زمان شارع از حقوق فکری نمی شد بهره برداری مالی شود، شارع با شرعیت این حقوق مخالف است بلکه باید مسائل جدید را در قالب احکام فقهی و با توجه به موازین اسلامی تبیین کرد.

ضمن آنکه شارع، عرف و سیره عقلا را در صورت تعارض نداشتن با احکام اسلامی قبول داشته، پس حکم این حقوق، در زمان حال با توجه به اجماع عقلا در تایید آن، معلوم و روشن است. عده ای از فقها معتقدند، حق تالیف حق طبع یا حق اختراع، باعث حبس علم یا کتمان آن می شود، در صورتیکه باید توجه داشت، کسب درآمد و انتفاع مالی از یک ایده، فکر یا اختراع، با حبس و کتمان آن متفاوت است و می شود در عین گسترش علوم و فنون، از طریق طرح و عرضه آن کسب درآمد نمود و از منافع مالی آن متنفع شد و این دو با هم تعارضی ندارند. مضاف بر اینکه هدف و منظور اصلی نظام مالکیت معنوی، ایجاد بستری مناسب برای رونق و گسترش علوم و فنون است. علاوه بر آن در فقه اسلامی، احکام مسلم و محکمی در مورد مالکیت، اموال و حقوق مربوط به آن وجود دارد که طبق آن، تعرض یا تغییر در اموال یا املاک دیگران، بدون اجازه صاحبان اصلی آن از نظر شرع مقدس حرام است، لکن از آنجایی که در زمان شارع به اشیاء مادی و قابل مبادله یا معامله، اطلاق مالی می شده، اگر با توجه به اجماع عقلا مالیت اشیاء معنوی مانند ایده و فکر را ثابت بدانیم، قطعاً بار کردن احکام مالکیت بر آن دچار اشکال نخواهد شد.

۳. نتیجه

از آن چه گفته شد چنین نتیجه گرفته می شود که حقوق مالکیت معنوی و محصولات فکری که بر اساس ایده و فکر خلاقانه تولید شده باشند، ارزش اقتصادی دارد و منافی را هم برای فرد هم برای جامعه به ارمغان می آورد و اطلاق عنوان کار بر روی تولید آثار فکری صحیح می باشد و باتوجه به ضرورت های اجتماعی و حمایت نخبگان جهان از این حقوق، باید طبق اصل سیره عقلا به مشروعیت آن حکم داد. در ضمن گسترش علوم و تکنولوژی و امکان راهیابی آسانتر به محصولات علمی و فرهنگی از طریق اینترنت و شبکه های ماهواره ای، لزوم تدوین قوانین حمایتی از اینگونه آثار را بیشتر نمایان می نماید. زیرا

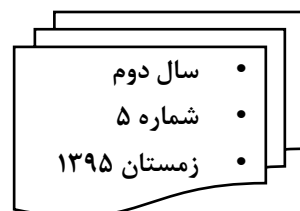


روشن است کسانی که اقدام به جعل ، تغییر یا انتشار یک محصول فکری ، آنهم بدون اجازه صاحب اصلی آن می نمایند ، هدفی جز بهره برداری شخصی و ایجاد اختلال در نظام علمی و آموزشی کشور ندارند و جدای از اینکه عدم وجود قوانین حمایتی، ضربه سنگینی به تولید کنندگان آثار فکری وارد می کند و باعث ایجاد هرج و مرج در ساختار نظام آموزشی کشور خواهد شد و زمینه را برای اعمال خلاف اخلاق و عرف فراهم می کند و قطعات تصویب این قوانین علاوه بر اینکه مانع تضییع حقوق اندیشمندان و نخبگان جامعه می گردد ، مانعی برای گسترش فرهنگ جعل و کلاهبرداری در امور فرهنگی نیز می شود و این قطعا به منفعت جامعه می باشد . پس می بینیم که دلایل عقلی کافی ، برای اثبات حقوق مالکیت معنوی وجود دارد که فقها و قانونگذاران ، با توجه به آن می توانند مشروعیت حقوق مزبور را ثابت نمایند .



منابع :

- قرآن کریم .
- آذری ، کیوان ، **حقوق معنوی پدید آورنده اثر**، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ، ش ۷ ، تیرماه ۱۳۶۰ ، ص ۲۲ .
- آذری ، کیوان ، **حقوق معنوی پدید آورنده اثر**، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ، ش ۷ ، تیرماه ۱۳۶۰ ، ص ۱۴۱ .
- امام خمینی ، سید روح اله ، **تحریرالوسیله** ، انتشارات اسماعیلیان ، قم ، ج ۲ ، ص ۶۲۵ ، ۱۴۰۹ ق .
- امام خمینی ، سید روح اله ، **الاجتهاد والتقلید** ، تحقیق و نشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، ۱۴۱۸ ق .
- امامی ، نورالدین ، **حقوق مالکیت های فکری** ، فصل نامه رهنمون ، شماره ۲ و ۳ ، ص ۱۹۳ .
- امانی ، تقی ، **قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری** ، انتشارات بهنامی ، ۱۳۸۳ ، ص ۲۴ .
- آیتی ، حمید ، **حقوق آفرینش های فکری** ، تهران ، سال ۱۳۷۵ ، ص ۱۳۳ .
- بحرالعلوم ، محمد ، **بلغه الفقیه** ، تهران ، مکتبه الصادق ف ۱۴۰۳ ، ق .
- بیهقی ، احمدبن حسین ، **السنن الکبری** ، دارالفکر ، بیروت ، بی تا .
- حاتمی ، علی اصغر **نگرشی بر حق مالکیت فکری و تعیین جایگاه آن در قلمرو علم حقوق** ، مجله علوم اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه شیراز ، دوره یازدهم ، شماره های اول و دوم ، ص ۸۲ .
- حسینی تهرانی ، محمد حسین ، **مکتوبات خطی جواز اخذ حق التالیف و حق الصناعه و الحرف** ، پایگاه علوم و معارف اسلامی .
- حکمت نیا ، محمود ، **مبانی نظری مالکیت فکری با تاکید بر فقه اسلامی** ، رساله دکتری حقوق خصوصی ، دانشگاه تربیت مدرس ، ۱۳۸۱ ، ش ، ص ۸ ص ۲۲۷ .
- حلیمی ، عمران ، **مقاله مبانی فقهی و حقوقی مالکیت معنوی از نگاه مذاهب** ، انتشار یافته در سایت نورمگز .
- رحیمی ، مرتضی / سلطانی ، عباسعلی ، **مقاله مبانی فقهی حقوق مالکیت معنوی در فقه شیعه** ، انتشار یافته در سایت نورمگز .
- سایت رسمی آیت ... مکارم شیرازی .
- سایت خبرگزاری فارس .
- سایت خبرگزاری مهر .
- شریف ، مرتضی علم الهدی ، **الانتصار** ، قم ، موسسه نشراسلامی ، ۱۴۱۵ ق ، ص ۲۹۱ .
- طوسی ، ابی جعفر محمدبن حسن ، **الخلاف** ، قم ، موسسه نشراسلامی ، ۱۴۱۵ ق ، ج ۴ ، ص ۳۶۶ .
- فصلنامه رهنمون ، ص ۲۰۸ .
- لطفی ، تقی ، **ریشه های تاریخی حق تالیفی و حمایت حقوق صنعتی** ، مجله کانون و کلا ، سال ۲۱ ، ش ۱۱۴ ، ص ۱۲۹ .
- مازندرانی ، محمدصالح ، **شرح اصول الکافی** ، ج ۱ ، تهران ، اسلامیه ، ۱۳۸۸ ، ق ، ص ۱۸۹ .
- مازندرانی ، محمدصالح ، **شرح اصول الکافی** ، ج ۲ ، ص ۲۳۵ .



- مطهری ، احمد ، مستند تحریرالوسیله ، کتاب **دیات ومسائل مستحدثه** ، قم ، چاپخانه خیام ، ۱۴۰۳ ق ، ص ۱۸۶-۱۸۹ .
- مطهری ، مرتضی ، **نظری به اقتصاد اسلامی** ، ص ۵۹-۵۸ .
- مظفر ، محمدرضا ، **اصول الفقه** ، قم ، دفتر تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۰ ش .
- مهریزی ، مهدی ، **حقوق معنوی ومتون مقدس** ، آیین پژوهش شماره ۸۵ .
- **مبانی فقهی حق مولف** ، مجموعه مقالات همایش تخصصی بررسی حقوق نشر کتاب در ایران ، ۱۳۸۱ .
- نوروزی ، علیرضا ، **حقوق مالکیت فکری** ، حقوق مولف و مالکیت صنعتی ، تهران ، نشرچاپار ، ۱۳۸۱ ش ، چ ۱ ، ص ۲۴ .

